



MHJ

مجله تاریخ پزشکی

دوره سیزدهم، شماره چهل و ششم، سال ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://journals.sbm.ac.ir/mh>



مقاله مروری

بررسی نقش ادعیه و اذکار در طب و طبابت دوره قاجار

زینب کریمی^{*۱}، شهرام رهنما^{*۲}

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، بخش تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۲. استادیار و عضو هیأت علمی گروه معارف، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: با وجود ورود شیوه‌های نوین طبی و درمانی در تاریخ پزشکی دوره قاجار، طب سنتی همچنان در کنار آن به حیات خود ادامه داد و گروه‌های مختلفی در این دوره به امور طبی و درمانی می‌پرداختند. یکی از این گروه‌های فعال در حوزه بهداشت و درمان افرادی بودند که بر اساس دعا، ذکر، طلسم و خرافات به ارائه خدمات طبی و درمانی می‌پرداختند. هدف این تحقیق بررسی کارکرد طبی و درمانی انواع ادعیه و اذکار در طب و طبابت دوره قاجار است از این حیث این تحقیق در پی پاسخ به پرسش زیر است: نقش ادعیه و اذکار در طب عامیانه دوره قاجار به چه میزان و به چه صورت بوده است؟

مواد و روش‌ها: جامعه آماری این پژوهش را کتاب‌های تاریخی، تاریخ پزشکی و سفرنامه‌های دوره قاجار دربر می‌گیرد. این پژوهش بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و از طریق گردآوری فیش‌های تحقیقاتی از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

یافته‌ها: شیوه‌های درمانی مبتنی بر به‌کارگیری دعا و اذکار در طب دوره قاجار مرسوم بوده است و برای درمان، بهبود و حتی پیشگیری از بیماری‌های مختلف واگیردار و غیرواگیردار از ادعیه و اذکار استفاده می‌شده است. این امر منحصر به طبقه عامه نبوده است بلکه در میان درباریان و طبقات خواص نیز کاربرد داشته است.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در دوره قاجار دعانویس‌ها یکی از گروه‌هایی بودند که با روش‌های مبتنی بر ادعیه و اذکار و البته از جنبه خرافی به درمان بیماری‌های مختلف روحی و جسمی می‌پرداختند؛ و این گروه از سوی مردم عامی و حتی درباریان نیز مورد پذیرش بودند. ازجمله دلایل پذیرش آنان می‌توان به عواملی چون فقر، کمبود خدمات طبی دولت، نوپا بودن روش‌های نوین طبی، عدم اعتماد کافی به پزشکان غربی، جهان‌بینی و تقدیرگرایی مردم اشاره کرد. البته حوزه فعالیت و شیوه درمانی دعانویس‌ها و دعاگوها آسیب‌های چون: انتشار بیماری‌های واگیردار و خطرناک، عدم توجه به دستورات بهداشتی به واسطه تقدیرگرایی، رواج جبرگرایی، هدررفت پول مردم به واسطه فریب‌کاری فروشندگان طلسم‌ها را در پی داشت.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۹

تاریخ انتشار: ۹۹/۱۱/۲۳

واژگان کلیدی:

طب
قاجار
دعانویسی
اذکار
خرافات
درمان
بیماری

* نویسنده مسؤول: زینب کریمی

آدرس پستی: ایران، شیراز، میدان ارم،
دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و
علوم انسانی، دفتر بخش تاریخ

پست الکترونیک:

zeinabkarimi3197@gmail.com

مقدمه

در دوره قاجار در نتیجه ارتباط با اروپاییان، تاریخ طب در ایران مسیری نوین در پیش گرفت و شیوه‌های نوین وارد تاریخ پزشکی شد. طب ایران به تدریج از طب سنتی به طب نوین تبدیل گشت، اما با این وجود طب سنتی به دلیل نفوذ در بطن جامعه، همچنان با قدرت به حیات خود ادامه داد و طبای سنتی همچنان محل رجوع بسیاری از مردم عصر قاجار بودند. در این راستا گروه‌های مختلف درمانگر سنتی فعالیت‌های درمانی و پزشکی را بر عهده داشتند. یکی از این گروه‌ها؛ دعانویس‌ها بودند که درمان آنان مبتنی بر دعاها و ذکرها بود و این امر به شیوه‌های مختلفی چون: ذکر دعا، استخاره گرفتن، نوشتن دعاها، چشم‌زخم، برگزاری مراسم‌های عزاداری، زیارت قبول بزرگان، یا تجویز نوشیدن آبی که دعای در آن خیسانده شده بود و ... به درمان بیماری‌های مختلف می‌پرداختند؛ و دعا درمانی و انجام امور طبی به وسیله اذکار و ادعیه حضوری فعال در طب عامیانه دوره قاجار داشت به طوری که علاوه بر استقبال عامه مردم؛ توجه و نظر دولتیان و دستگاه حاکم را نیز به خود جلب کرده بود و از میان طبقه مرفه جامعه عصر قاجار نیز طرفداران خاص خود را داشت. واکاوی دلایل توجه به امور طبی مبتنی بر دعا و ذکر نشان می‌دهد بستر جامعه قاجار شرایط لازم را برای پذیرش این روش‌های درمانی و طبی داشت. این پژوهش اهدافی چون: بررسی فعالیت درمانی و طبی دعانویس‌ها در دوره قاجار، بررسی نقش دعاها و اذکار مختلف در امور طبی دوره قاجار و دلایل گرایش مردمان عصر قاجار به درمانی‌های مبتنی بر دعا و ادعیه و اذکار را دنبال و رصد می‌کند.

در دوره قاجار با وجود تحول در طب؛ روش‌های درمانی بر اساس نیروی ادعیه و اذکار وجود داشته است و متصدیان آن به دلایل مختلف مورد توجه عامه مردم و حتی طبقه حاکم و دولتیان قرار داشته‌اند و محل رجوع برای درمان بیماری‌های واگیردار و غیر واگیردار بوده‌اند. لذا این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

کاربرد طبی و درمانی دعا و ذکر در دوره قاجار چگونه بوده است؟ دعانویس‌ها به چه شیوه‌های با اذکار و دعاها به امور طبی و درمانی می‌پرداختند؟ و در نهایت اینکه چرا این گروه درمانی و شیوه درمانی در دوره قاجار مورد توجه بوده است؟ مفروضات اصلی بحث بر این است که دعاگویی و دعانویسی سابقه طولانی در امور طبی و درمانی دارد و همواره رابطه‌ای میان امور مذهبی و درمانی نه تنها در ایران بلکه میان اکثر ملت‌های جهان وجود داشته است. ولی در دوره قاجار با وجود ورود شیوه‌های نوین طبی دعانویس‌ها به دلایل فکری و فرهنگی نظیر نوع جهان‌بینی و تقدیرگرایی مردم و از طرفی عدم کارایی دولت در ارائه خدمات نوین طبی مورد حمایت و توجه مردم بوده‌اند.

پیشینه پژوهش و تحقیق

در حوزه مربوط به مسائل طبی دوره قاجار، پژوهش‌های زیادی صورت گرفت است از جمله مقالات مرتبط با حوزه کار پژوهش حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- «طب عامیانه در ایران عهد ناصری» نایبیان، دهقانی و علی‌پور سیلاب، ۱۳۹۴ ش» منتشر شده در مجله تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال پنجم، شماره دهم. نویسندگان در این مقاله به بررسی وضعیت فرهنگ سلامت یا پیشگیری، طب عامیانه و نقش باورهای عامیانه در طب این دوره پرداخته است. در بخشی از این مقاله به گروه‌های درمان‌گر سنتی مرتبط با دعا پرداخته شده است، به‌طور کلی این مقاله به علل تأثیرگذاری در گرایش مردم دوره ناصری به طب عامیانه و تداوم آن پرداخته است.

- «نقش دلاک‌ها و سلمانی‌ها در عرصه بهداشت و خدمات درمانی دوره قاجار (۱۳۴۷-۱۲۱۷ ق. / ۱۷۹۵-۱۹۲۵ م.)» (خاکرند و کریمی ۱۳۹۸) منتشر شده در مجله تاریخ پزشکی، دوره یازدهم، شماره سی و نهم. نویسندگان در این مقاله به یک گروه درمان‌گر سنتی یعنی دلاک‌ها و سلمانی‌ها و نقش طبی آنان پرداخته‌اند. در بخشی از این مقاله به دلایل گرایش جامعه

عصر قاجار به درمان گران سنتی در دوره قاجار پرداخته‌اند که می‌توان از آن به‌عنوان پیشینه این تحقیق استفاده نمود.

- «تأثیر باورهای طبی مغولان در طب عامیانه دوره قاجار» (کشیری ۱۳۹۶) که در مجله اخلاق و تاریخ پزشکی در دوره نهم، شماره ۴ به چاپ رسیده است. این پژوهش به بررسی نقش اعتقادات مغولان در طب عامیانه ایران دوره قاجار پرداخته است. نویسنده در این مقاله طب عامیانه یا فلکلوریک را منبعث از سنت‌های شفاهی مردم عادی کوچه و بازار دانسته که به شدت تحت تأثیر عقاید خرافی مغولان قرار گرفته است. در نهایت باید گفت: مقالات ذکرشده به صورت مستقیم و مستقل به موضوع مورد پژوهش؛ ورود پیدا نکرده‌اند؛ و بیشتر به‌عنوان مقدمه برای این پژوهش کاربرد دارند. لذا پژوهش حاضر تحقیقی مستقل و تخصصی در زمینه نقش دعا، ادعیه و اذکار در امور درمانی و طبی دوره قاجار است.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی: صداقت و امانتداری در ارائه گزارش و انتشار مطالب رعایت گردیده است.

مواد و روش‌ها

روش تحقیق در این مقاله از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی مبتنی بر گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای است؛ بدین شکل که ابتدا منابع تاریخی، کتاب‌های مربوط به دوره قاجار و سفرنامه‌های این دوره مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته‌اند. سپس مطالب مربوط به تاریخ پزشکی آنان در حیطه پژوهش حاضر فیش‌برداری شده است و سپس به دسته‌بندی مطالب، تحلیل داده‌ها و در نهایت به نگارش مقاله اقدام شده است و در پایان به نتیجه‌گیری بر پایه داده‌های تاریخی پرداخته شده است.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که فعالیت برخی از گروه‌های درمانی و طبی مبتنی بر ادعیه و اذکار بوده است و

بیشتر با رویکرد خرافی و به شیوه‌های مختلف از قبیل استخاره گرفتن، دعاگویی و اذکار، تعزیه و عزاداری، زیارت قبور، نوشیدن آب‌های آغشته به کاغذ دعا و دعا‌های مختلف مربوط به چشم‌زخم، قرائت ورد‌های متعدد و ... به ارائه خدمات طبی و درمانی می‌پرداختند. کاربرد دعا و اذکار در قالب درمان بیماری‌های جسمی مختلف از قبیل طاعون، وبا، مارگزیدگی، ناباروری و حتی نحوه و زمان مصرف داروهای تجویز شده از سوی اطبا و ... می‌شد.

بحث

۱. خرافه و نقش روش‌های درمانی مرتبط با دعا در دوره قاجار

طب در متون کهن از جمله علوم است که دارای منشأ فرا مادی معرفی شده است و برخی از محققین طب کهن مانند ابن‌سینا و ابن‌ابی‌اصیبه با بهره‌گیری از نظریات بقراط و جالینوس، اساس طب را نیمه‌الهی و نیمه‌تجربی دانسته‌اند یعنی فرضیه‌ها و اصول طب را الهی و کسب وسایل درمان و اسباب آن را از منابع مختلف می‌دانند (۱). افرادی چون حاجی خلیفه معتقد به منشأ آسمانی برای طب است به‌طوری‌که فرشته‌ای به نام «اسقولاپیوس» از جانب خداوند مأمور آموزش طب و درمان به زمینیان شد که در نهایت شاگردان این فرشته در جهان پخش شدند و اصول پزشک را رواج دادند (۲). به مرور زمان اطباء در مواردی که علتی برای بیماری به دست نمی‌آمد سبب رواج امر تقدس‌گرایی و یافتن منشأ متافیزیکی برای امور طبی شدند. همین امور سبب شد به تدریج طب به‌عنوان یکی از حوزه‌های فعالیت عوامل مذهبی درآید. در متون کهن بیماری و مرض نتیجه عدم تعامل بین نیروهای خیر و شر دانسته شده است. به‌طوری‌که کاهنان اولیه عقیده داشتند که شیطان ۹۹۹۹۹ بیماری آفریده که هر کدام باید به وسیله مخلوطی از سحر و جادو و رعایت قواعد بهداشتی درمان شوند؛ و در درمان آن‌ها توجه به توجه به ادعیه و اوراد بیش از توجه به دارو بود (۳) در مزدیسنا طریقه

این شیوه‌های درمانی در دوره قاجار؛ روش‌های درمانی مبتنی بر دعا و اذکار مختلف بود که در دوره قاجار، عقاید خرافی راه یافته به مقولاتی چون دعانویسی، سعد و نحسی ایام و استخاره آن‌ها را از کارکرد و ماهیت دینی‌شان دور ساخت و بدان‌ها رنگ و بوی خرافی بخشید و این مقولات از مسیر اصلی به انحراف کشیده شد؛ به‌طوری‌که امروزه پس از گذشت بیش از صد سال، جامعه اسلامی را درگیر خود ساخته است (۹).

۲. شیوه‌های درمانی و طبی مبتنی بر ادعیه و اذکار در دوره قاجار

در دوره قاجار ادعیه و اذکار در بهبود بیماری‌ها و پیشگیری از بیمار شدن از روش‌های متداول درمانی جامعه عصر قاجار بوده است که تقریباً در طول تاریخ سلسله قاجار کاربرد داشته است و همواره از سوی عامه مردم و حتی طبقه حاکم مورد توجه قرار می‌گرفته است. از این‌رو برخی از محققین تاریخ اجتماعی معتقدند طب ایران در دوره قاجار را می‌توان در سه گروه جای داد:

الف) شفادهندگان روحانی شامل مقدسین فوت‌شده، ساکنین جهان ارواح، دعا نویسان و ساحران؛

ب) شفادهندگان سنتی شامل پیرزنان، دلاک‌ها و شکسته‌بندان و جراحان؛

ج) طبیبان سنتی که بر اساس نظریه‌های جالینوسی طبابت می‌کردند (۱۰).

د) گروه اول درمان‌گر بر اساس باورهای عامیانه و بدون داشتن مکتب منسجمی بوده است. در چنین نظامی اعتماد به شفادهنده و باور تقدیر نقش اصلی را ایفا می‌کند. نقش تقدیرگرایی تا حدی است که برخی عقیده داشتند موضوع مهمی که به نوعی طب دوره قاجار با آن پیوند خورده است همانا نقش مهم تقدیرگرایی است. این باور در میان درمانگر و درمان‌شوندگان مشترک بود؛ و به روش‌های گوناگون به درمان بیماری‌ها می‌پرداختند. از جمله روش‌های می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

درمان و بهبود از طریق مذهب و روحانیت به مردم آموخته می‌شد (۴). همچنین ادعیه جمع دعا است که از نظر ادبی «دعا» به معنای صدا زدن و مدد خواستن از خالق برای حل مشکلات است. در منابع از «دعانویس» به‌عنوان فردی که با نوشتن متونی برگرفته از کتاب‌های مذهبی بر روی مواد و اشیایی مانند: کاغذ، کاسه، قفل و کلید و سعی در برطرف کردن مشکلات مردم دارند (۵).

فرد دعانویس درازای نوشتن ادعیه و تعویذات، مبلغی را به‌عنوان هدیه دعا از مراجعه‌کنندگان می‌گیرد. در دعانویسی، ستیز با نیروهای شر و پلشت دیده می‌شود و به منظور باز یافتن سلامتی بیمار نیروهای خیر به کمک دعا تقویت می‌شوند (۶).

نمادهای طبیعی، حامل نظامی از باورها و دارای معانی فرهنگی و فلسفی هستند. هر نماد نسبت به نشانه، معانی عمیق فلسفی‌تری را دربر دارد (۷). درک عناصر طبیعی در پیوند با باورهای هر خرده‌فرهنگ، به عنصری کلیدی در درمان محلی تبدیل شده و شکلی قومی می‌یابد (۶).

در واکاوی علل تأثیرگذار در گرایش مردم به سمت امور بهداشتی و درمانی عامیانه باید گفت: «واکنش در برابر مسائل مربوط به پزشکی، همگی تابعی از فرهنگ جامعه محسوب می‌شود. برخی از این راه و روش و باورها در قلمرو فرهنگ عمومی مردم، ریشه در گذشته داشته و دارد که به نوعی وجه تمایز جوامع از همدیگر بیماری نیز می‌تواند باشد که خود همراه با فشارهای جسمی و روحی - روانی است، زمینه را فراهم می‌نماید که انسان برای رهایی از بیماری و بازیابی دوباره سلامت، به انواع مختلفی از راههای ممکن چنگ بزند که در این میان درمانگران مختلف و در دسترس، در ارائه راه‌ها و شیوه‌های درمانی، نقشی مهم را بر عهده داشته و دارند. در جامعه ایران دوره قاجار به ویژه دوره ناصرالدین‌شاه همگام با ورود تدریجی طب نوین غربی که حتی در برخی موارد با اقبال مردم نیز روبه‌رو می‌شد، درمانگران طب سنتی و عامه نقشی اصلی و مهم در معالجه بیماری‌ها بر عهده داشتند (۸). یکی از

۱-۲. استخاره

استخاره را نمی‌توان از جمله عقاید خرافی دانست اما به دلیل استفاده نادرست و نابه‌جا از آن، در برخی مواقع، عقاید و رفتارهای خرافی به آن راه یافته و آن را از کارکردهای دینی‌اش دور ساخت. استخاره و توسل به کتاب آسمانی، نه فقط میان مسلمانان بلکه بین ادیان دیگر نظیر: عیسوی‌ها از کتاب انجیل، کلیمی‌ها از تورات نیز رواج داشته و دارد؛ اما ایرانیان در دوره قاجار به سبب آنکه چندان به مشورت مقید نبودند برای انجام کارهای خود بیشتر به استخاره متوسل شدند (۹).

استخاره به شیوه‌های مختلف انجام می‌شد، به وسیله قرآن، تسبیح، نوشتن نیت بر کاغذ و قرار دادن آن در پاکت، قرار دادن در میان صفحات قرآن و غیره؛ اما آنچه مهم است کارهایی است که برای انجامشان به استخاره متوسل می‌شدند؛ به عنوان مثال به نیت انتخاب مناسب‌ترین طبیب از بین چند نفر (۱۱).

استخاره غالباً به این صورت بود که دعایی را می‌خواندند و نیت می‌کردند و بعد تسبیحی دست می‌گرفتند و در حالی که چشمان خود را می‌بستند با دست یکی از دانه‌های آن را می‌گرفتند و دانه‌های تسبیح را از آنجا تا گره تسبیح سه تا سه می‌شمردند اگر در آخر یک‌دانه باقی می‌ماند استخاره خوب محسوب می‌شد و باید دارو را مصرف می‌کردند اگر دو دانه از تسبیح باقی می‌ماند استخاره متوسط یعنی نه خوب و نه بد و اگر سه دانه باقی می‌ماند استخاره بد بود و هرگز نباید دارو را می‌خوردند. پاره‌ای از اوقات نیز به استخاره اکتفا نمی‌کردند. برای مثال اگر استخاره خوب می‌آمد و قرار شد بیماری دارویی را مصرف کند بار دیگر استخاره را به صورت معکوس انجام می‌دادند. به این صورت که اگر بیمار دارو را نخورد بد است و یا خوب؛ و این بار اگر استخاره خوب می‌آمد دارو را نمی‌خوردند. اگرچه در بار اول استخاره خوردن آن را اجازه داده باشد (۱۲). دلیل توجه زیاد به استخاره این بود اعتقاد داشتند که کلام خدا کذب نیست و تردید در آن کفر و

بی‌احترامی به مقدسات است (۱۳). عین‌السلطنه در مورد انتخاب روش درمانی یکی از بیماران می‌نویسد در حالی که تب می‌کرد «امروز به حکم استخاره و پشت گوشش را زانو انداختیم تا خدا چه خواهد» (۱۴). وی باز بیان می‌کند که «به حکم استخاره برای معالجه‌ی بیمار، میرزا موسی حکیم‌باشی خوب آمد. الحمدلله معالجه مؤثر واقع شد» (۱۴).

طبق گفته لایارد «برای درمان پسری که دچار مالاریا شده بود قدری دارو معرفی کردن. دو نفر حکیم از ترس اینکه طفل در اثر داروی من بهبود یابد و به آنان انعام داده نشود با تجویز داروی من مخالفت کردند و نظریه‌ی آنان نیز مورد تأیید ملا که با قرآن استخاره کرده بود قرار گرفت. استخاره با قرآن در مورد تجویز داروی من نامساعد بود، بنابراین داروی من را کنار گذاشتند و در عوض کاغذی را که آیه‌ای از قرآن بر آن نوشته شده بود شستشو داده، به اضافه تکیه‌ای از یک فنجان قهوه خرد کرده و با آب و شراب شیراز و خربزه به طفل دادند؛ اما حال طفل روزبه‌روز بدتر می‌شد. استخاره ملا مجدد انجام شد و نتیجه آن موفقیت‌آمیز بود و به من اجازه داده شد تا معالجه بیمار را شروع کنم. منتها ملا اصرار داشت تا داروها قبل از مصرف در آبی که آیاتی از قرآن در آن شسته شده است مخلوط گردد؛ و بعد به طفل داده شود (۱۵).

۲-۲. تعزیه و عزاداری

در مورد یکی از بیماری‌های همه‌گیر در شهر قم آمده است که: در قم توانگران که استطاعت و قدرت رفتن به دهات را داشتند رفتند و فقرا که نتوانستند بروند و ماندند و علی‌الاصال تلف شدند. امیدشان به خدا بود و کارشان صبح تا شام عزاداری و سینه‌زنی (۱۶). همچنین آمده است که در گزارشی از طرف تجار به امین‌الضرب ضمن برگزاری مراسم تعزیه برای زدودن وبا خلق مضطرب هستند و برخی مشغول تعزیه‌داری هستند. اجزای دیوان هم رفته‌اند. کسی هم قدرت بیرون رفتن ندارد. به واسطه اینکه بیرون‌ها مغشوش است (۱۶). طبق گفته سرنا در هنگام شیوع بیماری‌ها، با برگزاری تعزیه برای بیماران دعا می‌نموده‌اند (۱۷).

۲-۳. تجمع در امامزاده‌ها و اماکن مورد احترام

برخی در دوره قاجار علت بیمار را عملکرد بد خویش دانسته و سعی می‌کردند با تکیه بر اعمال مذهبی بیماری را از خود دور کنند. در دوره قاجار برای بسیاری از امامزاده‌ها خاصیت شفابخشی و درمان‌گری قائل بودند: از طفل چهارده ساله کور، کرد و لالی که با توسل به مقبره امام علی (ع) شفا یافته بود صحبت شده است (۱۸). همچنین برای قبر کورش (۱۲). برای مقبره شاه عبدالعظیم در جنوب تهران (۱۹). خاصیت شفابخش و درمان‌گری قائل بودند. در لرستان مقبره‌ای به اسم «پیر مار» وجود داشت که به دلیل معالجه جای نیش مار، از احترام و تقدس برخوردار بود (۲۰). همچنین آرامگاه دکان داوود در نزدیک سر پل زهاب در کرمانشاه برای علی الهی‌ها اهمیت ویژه‌ای داشت (۲۰).

تجمع بیماران در امامزاده‌ها سبب گسترش بیشتر بیماری‌ها می‌شده است. به گونه‌ای که در سال ۱۸۷۷ م. طاعون در شهر رشت گسترش یافت و بیماری خیلی زود به اطراف شهر رسید و در روستاهای که مرقد امامزاده بود تعداد بیشتری کشته بر جای گذاشت؛ زیرا بیماران به زیارت امامزاده‌ها می‌رفتند و تا در پناه آنان از بیماری در امان بماند (۱۷).

۲-۴. تربت

خوردن تربت یک باور مذهبی است که در اندیشه دینی ما تأثیر عمیقی دارد و از راههای توسل و توکل است و وجود آن سبب آرامش روحی و روانی بیماران و حتی افراد سالم نیز است؛ اما در دوره قاجار از این امر به صورت افراطی استفاده می‌شده به طوری که خوراندن تربتی که بر آن دعایی خوانده می‌شد در تخفیف مرض و بازگشت سلامتی نقش مهمی در باروهای عامه دوره قاجار داشت (۲۱).

فوریه درباره تربت می‌گوید: درویش به عنوان گروهی تأثیرگذار با حضور بر بالین بیمار و تحت تأثیر نفوذ اخلاقی‌شان، اغلب اوقات باعث تسکین درد بیمار می‌شدند و همواره «تربت» را به عنوان شفای هر دردی با خود داشتند (۲۲). گاه در این موارد کار به توسل به تربت مقدسین می‌کشید؛ حتی نه تنها به

غبار قبر شخصیت‌های مذهبی بلکه گاه غبار قبر شخصیت‌های متنفذ و گاه غبار زیر پای شخصیت‌های زنده هم مورد استفاده قرار می‌گرفت (۲۳). به گونه‌ای که سیدهای بودند که با کشیدن دست بر روی بیمار او را معالجه می‌کردند (۲۴).

۲-۵. توسل

اشک ریختن در عزاداری امام حسین (ع) و نیز برای تربت ایشان خاصیت شفابخشی قائل بودند در جامعه شهری رواج داشت (۱۲). توسل به حضرت عباس (ع) نیز در میان مردم برای درمان‌بخشی متداول بوده است (۲۵). علاوه بر این توسل و رجوع به اشخاص بلندمرتبه مذهبی یا همان مجتهدها و گرفتن خوراکی از دست آن‌ها برای درمان و شفابخشی نیز از اموری طبی دوره قاجار بود (۱۲).

۲-۶. دراویش، ملاها و سیدهای پزشک‌نما

این گروه را پزشکان دعانویس نامیده می‌شدند و پرشمارترین طبقه اطبا بودند و گفته‌های از کتاب مقدس اسلامی را می‌نوشتند و به بیماران می‌فروختند (۱۰). نفوذ این گروه سبب شده بود در اغلب مواقع این ملاها و دراویش و سیدها مردم عادی زودباور را فریب داده و به آنان دارو می‌فروختند (۱۳). آمده است که در دوره قاجار درویشی بود که روی کاغذ مطالبی می‌نوشت و بین زنان تقسیم می‌کرد تا آنان را از همه‌ی بیماری‌ها محفوظ نگه دارد؛ در حالی که خود به فتق^۱ دچار شده بود و از پزشکان غربی درخواست کمک کرده بود (۲۵). همچنین در جامعه ایلی، برای دور کردن ارواح خبیث که عامل اصلی بیماری بودند، دعایی که درویش می‌داد کارساز بود (۲۶).

۲-۷. دعا ذکر

در میان مردم دوره قاجار برای درمان و امور طبی جایگاه والایی داشت و در این راستا دعاهای مختلفی برای درمان بیماری‌های

۱. فتق به بیرون زدگی یا خارج شدن هر عضو بدن، از جای اصلی خود گفته می‌شود. به عبارتی دیگر: تغییر محل اعضای بدن به حفره یا بافت مجاور که موجب تورم یا پارگی شود را فتق می‌گویند.

مختلف وجود داشت. انواع دعاها برای درمان بیماری‌ها به صورت خواندنی و خوردنی در این دوره رواج داشت (۲۷).

همچنین آمده است که عده‌ای تخم‌مرغ پخته‌ای که روی پوستش دعایی نوشته شده و آن را بیست و چهار ساعت زیر بغل نگه داشته‌اند و الماس آویخته به گردن که موجب تقویت نیروی بدن می‌شود. تماس با این سنگ قیمتی ترس را از بین می‌برد و انسان را از حملات صرع در امان نگه می‌دارد همچنین موجب می‌شود دندان‌های کرم‌خورده بدون درد بریزد (۱۷).

عده‌ای دیگر گرفتن و آویختن دعای وبا و خواندن نماز خوف و نبردن اسم وبا مخصوصاً جلوی اطفال و موچ کشیدن (۲۸). به جای بردن نام بیماری را عامل دفع شیوع آن دانسته و تلاش داشتند این‌گونه از سرایت آن جلوگیری کنند.

از دیگر کاربردهای دعا در دوره قاجار این بود که برای درمان امراض و مبارزه با بیماری‌ها باور به دخالت داشتن اجرام آسمانی در سرنوشت انسان و در نتیجه نحس و یا سعد بودن ساعت نوشیدن دوا بود. به همین دلیل، هرگاه منجمان می‌گفتند که در این روز و ساعت نوشیدن دوا درست نیست بیماران موافق حکم و مشورت او دواى طبیب را مصرف نمی‌کردند (۲۹).

۸-۲. دعای چشم‌زخم

در اسلام و در میان مسلمان اعتقاد به چشم‌زخم رواج داشته است و آیاتی از سوره قلم نیز در این باره است؛ که خود دلیلی بر حتمی بودن چشم‌زخم است؛ اما در دوره قاجار اعتقاد به چشم‌زخم سبب شده بود علت بسیاری از بیماری‌ها را بدون در نظر گرفتن موقعیت و بستر ایجاد آن بیماری از قبیل عدم رعایت بهداشت و مسائل طبی، به چشم‌زخم مرتبط دانسته و عمده بیماری‌های را از جانب تأثیر چشم‌زخم دانسته‌اند. در این دوره اغلب بیماری‌های که به صورت ناگهانی بروز می‌کردند از ناحیه چشم‌زخم انگاشته می‌شدند که تنها توسل به دعا و طلسم علیه آن مؤثر بود (۱۰). برای مثال در قصه‌ای آمده است که روزی پیرزنی وارد منزل کسی شد و با دیدن

مادر و سه فرزندش، آنان را خوشبخت و سعادتمند خواند و گفت چه کودکان زیبایی دارید و آنجا را ترک کرد. بعد از گذشت چند روز همه کودکان به بیماری دچار شده و از بین رفتند و علت این مرگ را چشم‌زخم پیرزن می‌دانستند (۳۰). رواج اعتقاد افراطی به تأثیر چشم‌زخم سبب شده بود که ایرانیان در پی جست‌وجوی علت بیماری‌ها نباشند و علتی را بیشتر ناشی از رعایت نکردن بهداشت و حفظ سلامت بود. از سوی دیگر موجب می‌شد علی‌رغم حضور پزشکان غربی و پزشکان تحصیل‌کرده ایرانی، مردم به دعانویسان و غیب‌گویان متوسل شده و دعانویسی و تعویذ را به‌عنوان یکی از شیوه‌های درمانی مهم به حساب آورند؛ و از استفاده داروها و سبک‌های نوین غربی خودداری کنند (۳۱) در مواردی نیز آمده است که در دوره قاجار بیماری‌های مزمن کودکان و ناباروری زنان بر اثر چشم بد دانسته و برای مقابله با آن‌ها به طلسم روی می‌آوردند. بیماری صرع را تحت تأثیر جن دانسته و به همین دلیل می‌گویند فلانی دعایی است دواپی نیست (۱۳).

۹-۲. استعمال داروهای شسته در آب

در این باره آمده است که «... عباراتی از کتاب مقدسی را بر جداره ظرفی نوشته؛ آب بر آن می‌ریزند و به هم می‌زنند تا حل شود و سپس آن را به خورد مریض می‌دهند» (۳۲). به این امر «تنتور قران» می‌گفتند (۳۲). همچنین از طلسم‌های مشترک برای مقابله با بیماری وبا و طاعون استفاده می‌شد که خود این طلسم‌ها به سه دسته تقسیم می‌شدند. یک دسته که شخص می‌بایستی آنان را همراه خود داشته باشد و دسته دوم می‌بایستی در هنگام شروع بیماری بلعیده شوند و دسته سوم نیز در آب شسته و خورده شود (۲۷).

ویلسون در این زمینه می‌گوید «... شیوخ محلی نه‌تنها امور طایفه‌ای را قضاوت و مدیریت می‌کردند بلکه در امور مربوط به بیماری و مشکلات طبی هم‌دستی داشتند. فداییان آن‌ها حریصانه آبی را که شیخ با آن استحمام کرده و یا لباس‌هایش را شسته بود برداشته و آن را بر صورتشان می‌زنند؛ و برای این آب کیفیت تطهیری قائل هستند» (۱۰).

۳. معرفی برخی از بیماری‌ها و درمان آن‌ها به وسیله

ادعیه و اذکار

۳-۱. طاعون

در استان گیلان به‌ویژه در شهر رشت در سال‌های ۱۲۹۴ ق. در دهکده شفت برای در امان ماندن از بیماری طاعون به امامزاده‌ای در آنجا پناه می‌بردند (۱۷).

۳-۲. مارگزیدگی

در منابع آمده است که در نزدیکی خوی امامزاده‌ای به مداوا و درمان مارگزیدگی و بیماری هاری شهرت داشت (۳۲). یا مقبره پیرمار در لرستان نیز به همین سبب شهرت داشت.

۳-۳. ناباروری زنان

فرزندآوری همواره در طول تاریخ مورد توجه بوده است و زنان در دوره قاجار از طلسم‌ها، وسایل عجیب‌وغریب برای حامله شدن یا جلوگیری از حاملگی دوستان و رقبای خود از آنان استفاده می‌کردند (۱۳). همچنین در مواردی طلسم‌ها را به بازوی بیمار می‌بستند. برخی از مکان‌ها در باورهای عامیانه به آنان خاصیت فرزندآوری نسبت داده شده بود برای مثال: خاک کف مسجد «بی‌بی‌زبیده» در ری (۱۹). شیر سنگی در مشهد (۳۳).

۳-۴. وبا

در زمان شیوع وبا عامه مردم به زیارتگاه‌های مختلف رفته و برای در امان ماندن در آنجا ساکن می‌شدند. در این راستا تهرانی‌ها به ابن‌بابویه، حرم حضرت عبدالعظیم (ع)، امامزاده حسن و امامزاده اهل علی (ع) (۱۴). مردم لرستان به امامزاده شاهزاده احمد و مردم شهر دزفول به مقبره دانیال نبی (ع) متوسل می‌شدند (۳۴). با وجود این رایج‌ترین راه برای جلوگیری از سرایت و گرفتار شدن به بیماری وبا را در توسل به ادعیه و طلسمات می‌دانستند از این‌رو دعاها و ذکرهای مختلفی در منابع آمده است که برای پیشگیری از وبا خوانده می‌شدند

برخی از این دعاها از این قبیل‌اند: «بسم‌الله الرحمن الرحیم. ولا حول و لا قوه الا العلی العظیم. لا یضر و لا ینفع شی الا

باذن الله. توکلت علی الله و لایاتی بالشفاء الا الله ماشاء الله لا یصرف السوء الا الله حسبی الله الذی خلقنی فهو یمهدین و الذی یطعمنی و یسقین و اذا مرضت فهو یشفین و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمہ للمومنین. اللهم ارزقنا العافیه یا ولی العافیه و لاتفرق بیننا و بین العافیه یا خالق العافیه» (۳۵). این دعا بدن تعیین زمان مشخص توسط افراد خوانده می‌شد.

دعاهای دیگر هم بود که زمان مشخص برای قرائت آنان ذکر شده «روایت شده که برای دفع وبا و طاعون هرروز یک‌مرتبه این دعا را بخواند تا روز دیگر وبا و طاعون نبیند. هرکه شک آورد اقرار به ولایت من نیاورده. دعا این است: اللهم بحق الحسین و اخیه و جدہ و ابیه و امه و بنیه نجنا من الطعن و الطاعونه و الوباء الذی نحن فیه یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا معافی یا رحیم یا حی یا شافی یا حی یا کافی یا شافی یا معافی ارحمنا خلصنا من الطعن و الطاعون و الوباء و یا الله یا الله یا الله الامان الامان الامان من شر هذا الزمان. اللهم انک عفو کریم مجیب العفو فاعف عنا یا رب» (۳۵).

دعاهای دیگری نیز برای دفع بیماری وبا وجود داشته‌اند که از دو بخش دعا و طلسم متشکل بودند یعنی ابتدا باید دعا خوانده می‌شد سپس به طلسم نیز نظر داشتند. در این زمینه این‌گونه آمده است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم. یا حی حین لا حی یا حی یحیی الموتی. لا اله الا انت. بسم‌الله الرحمن الرحیم یا شافی یا معافی یا محیی الاموات یا حی یا قیوم و بعد از تلاوت نظر به این طلسم نماید (۳۵).

۴. دلایل رونق فعالیت‌های درمانی مبتنی بر ادعیه و

اذکار در دوره قاجار:

۴-۱. عدم مسئولیت‌پذیری حکام در قبال مردم

نسبت دادن درمان بیماری‌ها به خداوند رحیم و دور کردن ذهن مردم از واقعیت یکی از شگردهای بود که حکام برای کتمان مسئولیت خودشان در این عوارض و مصائب و نقش خودشان در شدت بیماری به کار می‌بردند. حکام شهرها در

فرنگی بیشتر دواهای سمی و جوهری تجویز می‌کنند، مردم با دیده شک و تردید به درمان‌های مدرن می‌نگریستند (۳۷). برای مثال استفاده از واکسن گاوی برای ابله‌کوبی توسط اروپاییان، با مختلف طبقه متشرعه و حکمای ایرانی همراه بود (۱۷). تا زمانی که دولت با تنبه مردم را مجبور به استفاده از آن کرد این مشکل همچنان ادامه داشت (۱۱).

۴-۵. فقر

فقر مهم‌ترین مانع در راه گسترش سلامت عمومی است. این مسئله در دوره قاجار با شدت بیشتر حاکم بود، به‌گونه‌ای که آمده است: «در مملکت ما به هر سو که نگاه بکنی، این‌طور فقر است، گویا در وطن ما تخم فقر کاشته‌اند» (۳۸). همین فقر در گرایش مردم به شیوه‌های درمانی ارزان و کم‌هزینه نقش مؤثری (۳۷) داشت و سبب رجوع بسیاری از مردم به گروه‌های درویش و ملاها که درمان آنان مبتنی بر دعاگویی و دعانویسی بود. لذا فقر یکی از دلایل رجوع بسیاری از مردم به دعانویس‌ها بود.

۴-۶. مشکلات اقتصادی و اجتماعی

در ایران عهد ناصری، اولویت سلامت برای خاندان سلطنتی و طبقه اعیان بود. مردم عادی فقط در دوره امیرکبیر تا حدودی از این امکانات بهره‌مند شدند. حکومت خود را ملزم به تأمین امکانات بهداشتی برای مردم نمی‌دید. حکومت نسبت به امور بهداشتی، ایجاد مریم‌خانه، نظافت کوچه‌های شهر و درمان بیماران جذامی هیچ‌گونه مسئولیتی را نمی‌پذیرفت (۳۹). در دوره قاجار مشکلاتی در ساختار بهداشتی ایران وجود داشت؛ از قبیل: نبود لوله‌کشی برای انتقال آب شرب سالم و نگهداری آب آشامیدنی در چاله‌های روباز، نبود سیستم دفع فاضلاب شهری در شهرهای بزرگی مانند تهران (۴۰). مانده شدن آب در آب‌نماها و حوض‌های خانگی، ساکن بودن خانوارهای زیاد در یک منزل (۴۱) به ویژه در دوره ناصرالدین‌شاه به دلیل مهاجرات زیاد به شهرهای بزرگ، نبود سرویس بهداشتی‌های عمومی و خاکی بودن معابر شهری (۴۱) باعث شیوع و گسترش بیماری‌ها می‌شد.

چنین مواقعی به جای بیان دلایل واقعی بروز همه‌گیری وبا و چاره‌جویی برای رفع آن به سراغ راحت‌ترین گزینه رفته و مردم را به این سمت راهنمایی می‌کردند (۱۰). در چنین مواردی که می‌بایستی انسان‌ها در کنار همدیگر به تحمل بیماری بپردازند و مشکلات و مصائب را تحمل کنند. برخی از حکام ظالم و عمله حکومت دست از شرارت برنداشته و به راحتی نظاره‌گر مرگ مردم خود بودند و گاه از بروز به بیماری در میان مردم شادمانی می‌کردند (۳۶).

۴-۲. پشیمانی بیماران از گناهان خود

در مواقعی که بیمار از طبقه اشراف و ثروتمندان جامعه بود. یاد گناهانی می‌افتاد که قبلاً مرتکب شده و از حقوقی که از دیگران ضایع کرده‌اند به این دلیل دست به دعا شده و نیاز به درگاه خدا می‌برد و برای جلب الطاف پروردگار مقداری از مال خود را به مستمندان و بیچارگان می‌داد و سفارش می‌کرد غذایی نذری پخته و به فقرا و مستمندان بدهند. فقرای اطعام‌شده هم بعد از صرف غذا دست به دعا برداشته از خداوند طلب شفای برای فرد بیماری و سلامتی او می‌کردند اگر بیمار با لطف خداوند شفا یافت؛ متأسفانه در اکثر موارد نذرهای خود را فراموش کرده و بی‌توجه به فقیران و نیازمندان به زندگی معمولی خود ادامه می‌داد. اگر بیمار از اقشار ضعیف جامعه بود دیگر توان انجام چنین کارهای را نداشت و تنها به این بسنده می‌شد که گروهی از افراد فامیل بر بستر او حاضر شده و برای شفای وی دعا می‌کرد (۱۰).

۴-۳. عدم اعتماد به پزشکان فرنگی

ایرانیان زمان قاجار اعتماد زیادی به اطبای اروپایی نداشتند و گاهی نیز آنان را ارواح خبیث می‌دانستند که یک فرد مسلمان مؤمن نباید به آنان اعتماد کند «زیرا بسا که این سگان عیسوی که از خوک هم نجس‌تر هستند او را جادو کنند» (۱۷).

۴-۴. نوپا بودن روش‌های نوین طبی

امور طبی مانند واکسن، روش‌های جدید در جراحی و دندان‌پزشکی در دوره قاجار نوپا و جدید بودند؛ از این رو با توجه به ایجاد فضای اتهام از سوی اطبای ایرانی که پزشکان

۴-۷. جهان‌بینی مردم و تقدیرگرایی آنان

مسئله جهان‌بینی مردم، تقدیرگرایی، خواست خدا و قسمت، امری مهم در فرهنگ عامه مردم محسوب می‌شد، اما بنا بر برداشت نادرست، اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه مراعات نمی‌شد. همین استنباط نادرست، زمینه‌ساز آفت بهداشت می‌شد (۳۷) و باعث رجوع به درمان‌گرانی نظیر دعانویس‌ها شده و نفوذ این گروه به حدی زیاد بوده که دیدگاه چون: «سلامت انسان در دست الله است نه آب جوشیده» به وجود آمده بود (۴۰). بدین ترتیب بیماران سرنوشت خود را در دست خدا دیده و توکل بر او را در حفظ سلامتی مؤثرتر از رعایت مسائل بهداشتی می‌دانستند و با عدم رعایت مسائل بهداشتی و سپردن کارهای مخصوص به خودشان؛ به خدا اسباب نزول بلا و بیماری را فراهم می‌آوردند (۳۸). این تقدیرگرایی همه جامعه ایران از طبقه حاکم تا عامه مردم را دربر می‌گرفت به گونه‌ای که عین‌السلطنه بارها از حکم استخاره و تفال برای زالو انداختن صحبت کرده است. علاوه بر تقدیرگرایی توجه به پیشگویی‌های طبی، تفال و نجوم نیز در میان طبقه حاکم رایج بوده به‌طوری‌که در دوره ناصری تعیین ساعات سعد و نحس بسیار مهم بود و حتی در کاخ شاهی هیچ اقدام مهمی بدون صواب دید منجمان صورت نمی‌گرفت (۱۷). تعیین ساعت سعد و نحس برای مصرف دارو یا ترک دارو (۲۹) نیز کاربرد داشت. از این‌رو دو عامل تقدیرگرایی و تفال و توجه به طالع‌بینی در امور طبی در میان طبقه حاکم نیز رایج بود.

۵. آسیب‌شناسی فعالیت‌های گروههای درمانگر سنتی

مبتنی بر ادعیه و اذکار

۵-۱. رواج تقدیرگرایی و جبرگرایی

تقدیرگرایی و جبرگرایی به امری مهم در فرهنگ عامه مردم تبدیل شده بود، به‌طوری‌که استنباط نادرست، از خواست خدا و توکل؛ زمینه‌ساز آفت بهداشت و درمان می‌شد به‌گونه‌ای که آمده است: «سلامت انسان در دست الله است نه آب جوشیده»

(۴۰). این مسئله تقدیرگرایی در عدم رجوع به طبیبان حاذق با روش‌های نوین نقشی مهم داشت و سبب رونق کار دعانویس‌ها فروشندگان طلسم‌ها شده بود.

۵-۲. عدم رعایت دستورات بهداشتی به واسطه اعتقاد به امور دعایی

در گذشته عامل اصلی بیماری وبا آب بود و جوی‌های آب در گسترش بیماری نقش زیادی داشتند. لباس‌های مردگان مبتلا به وبا یا بیماری‌های واگیردار یا غسل مردگان در کنار جوی آب سبب آلوده شدن آب و شیوع بیشتر بیماری می‌شد (۱۶) و (۲۲) در زمینه این عدم رعایت نکات بهداشتی امور دعایی نظیر اعتقاد به خواست خداوند و قسمت نقش زیادی داشته است.

۵-۳. گسترش بیماری و افزایش مرگومیر

تجمع بیماران در امامزاده‌ها سبب گسترش بیشتر بیماری‌ها می‌شده است. به گونه‌ای که در طاعون سال ۱۸۷۷ م. در رشت به دلیل تجمع مردم در مرقد امامزاده‌ها میزان مرگومیر به سرعت افزایش یافت (۱۷).

۵-۴. کاهش قدرت اقتصادی مردم

مردم در دوره قاجار برای در امان ماندن از بیماری‌های به ویژه هنگام شیوع بیماری‌های همه‌گیر واگیردار، به دروایش و سیدهای پزشک نما و طلسم فروشان و افرادی از این دست مراجعه می‌کردند و با پرداخت پول از آن‌ها دعا و اذکار و دستوراتی برای دفع بیماری و یا بهبود بیماران خود دریافت می‌کردند. طبق گفته ویشارد مردم به فروشندگان انواع طلسم‌ها، هنگام بیماری وبا پول زیادی می‌دادند (۴۰).

۵-۵. عدم توجه به شیوه‌های نوین طبی

ویلسون معتقد است «چون قطع دست و پا در آیین اسلام مختص سارقان است، این تشبه برای مردم سنگین تمام شده و حاضر به انجام این عمل نبودند» (۲۹). بدین سبب مردم سعی می‌کردند به جای رجوع به طبیبان حاذق به دروایش، طلسم‌فروشان و کلاً دعانویس‌ها مراجعه می‌کردند. همچنین ویشارد می‌گوید: «با اینکه طلسم، تعویذ و سرمه از کودکان در برابر وبا مراقبت نمی‌کرد» (۱۳).

نتیجه‌گیری

با وجود تحول تاریخ طب در دوره قاجار و ورود طب نوین غربی به ایران در این دوره، گروه‌های زیادی همچنان به صورت سنتی به ارائه خدمات طبی و درمانی می‌پرداختند؛ که دعانویس‌ها و دعاگویان از این طیف بودند. از روش‌های مذهبی مبتنی بر درمان آنان می‌توان به استخاره گرفتن، برگزاری مراسم‌های مذهبی چون دعا، تعزیه و عزاداری، پخت نذری، نوشتن دعا‌های چشم‌زخم، زیارت قبور، تجویز به خوردن دعا‌های شسته در آب، نوشتن ذکرها و دعاها برای در امان ماندن از بیماری‌ها و ... اشاره کرد.

این گروه همواره محل رجوع بیماران مختلف بودند. این حوزه آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی چون: فریب دادن مردم، تأثیر منفی بر جامعه، رواج اموری چون طلسم و جادو در سطح جامعه را در پی داشته است و از طرفی نیز آسیب‌های جسمی چون شیوع هرچه بیشتر بیماری‌های بر اثر تجمع در مراکز مذهبی، عدم اعتماد جامعه عصر قاجار به طب نوین و عدم استفاده از خدمات طبی جدید، افزایش میزان مرگ‌ومیر می‌شد؛ اما علی‌رغم این موارد جامعه عصر قاجار از فعالیت‌های طبی و درمانی دعانویس‌ها استقبال می‌کرد و در این پذیرش عمومی عواملی چون بی‌اطلاعی از طب نوین، عدم اعتماد به طبیبان اروپایی، عدم ارائه خدمات طبی از سوی دولت، تقدیرگرایی و جهان‌بینی مردم مؤثر بود.

تشکر و قدردانی

از جناب آقای دکتر رهنما برای راهنمای‌های مؤثر در پیشبرد این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را دارم.

سهم نویسندگان:

زینب کریمی: ایده اولیه، جمع‌آوری داده‌ها، نگارش اولیه و انجام اصلاحات برای ارسال نسخه نهایی آماده چاپ؛
شهرام رهنما: تحلیل و تفسیر داده‌ها، آماده‌سازی نسخه نهایی.

تضاد منافع

مطالعه فوق فاقد تضاد منافع می‌باشد.

References

1. Algood C. Medical history of Iran and the lands of the Eastern Caliphate. Translated by Bahr Forqani. Edited by Mohammad Hossein Zamani .Tehran. Amir Kabir Publications; 1992. p. 19. [in Persian]
2. Haji Khalifa. Discovery of suspicions about the names of books and arts .Beirut. n.pn. vol5. 1992. p. 126. [in Persian]
3. Doost khah J. Avesta.Tehran. Morvarid Publications; 2005.p314. [in Persian]
4. Najmabadi M. History of medicine in Iran. Art Print Section. Vol 1. Tehran. Tehran University Press; 1962.p92. [in Persian]
5. Anvari H. Farhang Bozorg Sokhan, Great great culture of speech.appendix Prayer writer.Tehran: Sokhan Publications;2003. [in Persian]
6. Feyzi p. and Rahimi B. Anthropological study of ritual healing with an emphasis on the role of "healing by Prayer" in Kermanshah Province. Journal of medical History. third year. Number six. 2011. p. 97-113. [in Persian]
7. Fazli S. The Culture of Strangers.Tehran: Afkar Publishing; 2004, p. 18. [in Persian]
8. Naebian J. Dehghani R. Alipour Seilab J. The Iranian folk medicine in the era of the Nazarene. Both in History of Iran after the Islamic Journal; Fifth year, number 10,2015, 171-201. [Persian]
9. <https://www.khabaronline.ir/news/262216>
10. Flour W. Public Health in Qajar. Translated by Nabipour. Bushehr: Bushehr University of Medical Sciences; 2007. p. 100, 89-92.102-21. 13. [in Persian]
11. Etemad Al-Saltaneh, Roozname khaterate Etemad Al-Saltaneh (related to the years 129 to 1313 AH) with an introduction by Fahrs from Iraj Afshar. Tehran. Amir Kabir Mohaddes Publishing House; Mir Hashem. (1291) Essays of Ettamad Al-Saltanah: Including twenty-four. Tehran. Information. 1971, vol 2. P. 546-547. 650. 709. [in Persian]
12. Brogesh H. [Safari be Darbare Soltane Sahib Qaran]. Translated by Kordbache A. Tehran: Etelaat; 1988.vol 1, 2. p88. 489. 223. 408. [in Persian]
13. Polak YA. Persian das land und seine bewohner. Tehran: Kharazmi Sahami publication; 1982. p. 399.96. 423.139.155-156. [in Persian]
14. Ain Al-Saltanah Q M, Roozname khaterat Ain Al-Saltanah.Tehran: Asateir; vols 1, 2. 1995. p. 3901. 3921.670. [in Persian]
15. Layard AH. Early Adventures in Persia Susiana and Babylonia.London: John Murray; 1894. p. 63. [in Persian]
16. Nategh H. [Mosibat Vaba Balaye Hokomat]. Tehran: Gostardeh; 1979, p. 21-6.11- 12. [in Persian]
17. Serena C. Hommes et Chosen Enperse. Tehran: New publication; 1984. p. 244. 14.128, 139. 338. 84, 117. 140-141. [in Persian]
18. Najm-ol-Molk, Mirza Abdul Ghaffar, Khuzestan's travelogue "From Wednesday. 22 Dhul-Hijjah 1298 AH to Sunday 14 Ramadan 1878. AH. By the efforts of Seyed Mohammad Dabir Siaghi. Tehran. Association of Cultural Works and Honors. 2006. p. 94-95. [in Persian]
19. Orsel E. Orsel's Travelogue (1882) Translated by Ali Asghar Saeedi. Tehran. Zavar; 1974. p217.220. [in Persian]
20. Rawlison H. Rawlinson's Travelogue (Crossing the Zoh to Khuzestan) Translated by Dr. Alexander Alexander Aman Elahi Baharvand. Tehran. Agah; 1983. p. 134-135.29. [in Persian]
21. Fasih Maraghei A. History of several incidents in Maragheh and Azerbaijan manuscript.laybrari magles.number 1413ir. 1840. p. 12. [in Persian]
22. Fourieh j. [Three Years Against Iran]. Translation Abbas Eqbal, The second one Tehran; 1985. p. 96.288-289. [in Persian]
23. Kasiri M. The impact of Mongols on Qajar folk medicine in Iran. Medical Ethics and History of Medicine. 2016; 9 (4): 30-42.
24. Oben O. La Persadaujourdhui Iran Mesopotamie. Tehran: Zavar Library; 1972. p. 12. [in Persian]
25. Olivier A. Travels in the Ottoman Empire, Egypt and Persia. Tehran: Etelaat publication; 1992. p. 79-82 [in Persian]
26. Bishub I. az bistoon ta zard kooh bakhtiyari. Translated by Mehrab Amiri, Tehran. Sahand Publishing. Anzan Publishing; 1996. p197. [in Persian]
27. Amanullah. Ibn Fath Ali Shah. Aman al-Baliyya (manuscript) National Library. Book 1864. Code ID1732817. P3. 26 [in Persian]
28. Sarmadi M, Research in the history of medicine and the world of medicine from the beginning to the present. Volume II Iran from the Mongol to the

present. First part Tehran; vol 2. 1999. p. 208 [in Persian]

29. Wils CH. Social History of Iran during Qajar Era. Translated by Abdollah S. By the efforts of Hamid Dodangeh. Mehrdad Niknam. Tehran. Fardin; 1984. p. 155.207.154-155. [in Persian]

30. Rice C. Persian Woman and Their ways. Tehran: Ketabdar Publication; 2004. p. 187 [in Persian]

31. Heidari S, Bayati S. The Outcomes of Slang Beliefs in medicine of Qajar Era. Medical Ethics and History of Medicine. 2019; 12 (1) p. 161-170.

32. Broawn EG. A Year among the Persian. Tehran: Akhteran Publication; 2005. p. 367. 366.87. [Persian]

33. Yat Ch E. Khorasan and Sistan. Colonel Yat's travelogue to Iran and Afghanistan. Translated by Qudratullah Roshani and Mehrdad Rahbari. Tehran. Yazdan Publications; 1986. p310. [in Persian]

34. Mahmoud Mirza Ghajar. Ahd-e-hosam. Correction by Iraj Afshar. Tehran: Mirath-e-Maktoub. 2011. p. 340. [in Persian]

35. The Manuscript of Amano l Balieh. No. 665/f in the National Library of Iran.n.d. p. 70. [in in Persian]

36. Sayyah M. [Khaterat Haj Sayah]. Tehran: Amir Kabir; 1980, p. 417 [in Persian]

37. Khakrnd SH and Karimi Z, The Role of Dallak and Barber in Qajar Periodical Health Care. Medical History Journal, January 2019; 10(37). p. 73-87.

38. Talbouf A. [Ketab Ahmad] Tehran: Sazmane Ketabhay Jibi; 1967. p. 28. 36-37 [in Persian]

39. Tabrizi MY. The treatise known as "one word". Edited by by Dolatshahi A. Tehran: Bal Publication, 2007. p. 21-22 [Persian]

40. Wishard J. Twenty years in Persia: A narrative of Life under the last three Shahs. Translated by Pirnia A. Tehran: Novin; 1984. p. 350. 219-220.254 [in Persian]

41. Ghazvini, Mohamad Shafi. Ghanoun-e Ghazvini. Correction by Iraj Afshar. Tehran: Talaye. 1991. p. 220.



MHJ

Medical History Journal

2021; 13(46): e7

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/en-mh>



REVIEW ARTICLE

Investigating the role of prayer and recitation in medicine and medicine of the Qajar period

Zeinab Karimi^{1*} , Shahram Rahnema² 

1. Ph.D. student of Islamic History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University.

2. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Education, Faculty of Literature Humanities, University of Lorestan. Khorramabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 4 November 2020

Accepted: 18 January 2021

Published online: 11 February 2021

Keywords:

Medicine

Qajar

Prayer

Recitation

Superstitions

Treatment

Illness

ABSTRACT

Background and Aim: Despite the introduction of new medical and therapeutic methods in the Qajar period's medical history, traditional medicine continued to live alongside it, and various groups in this period dealt with medical and therapeutic matters. One of these groups active in health and treatment provided medical services based on prayer, remembrance, spells, and superstitions. This study aims to investigate the medical and therapeutic function of various types of prayers and dhikr in the Qajar period. In this regard, this study seeks to answer the following question: To what extent and in what form was the role of supplication and dhikr in the folk medicine of the Qajar period?

Materials and Methods: This research's statistical population includes historical books, medical history, and travelogues of the Qajar period. This research is based on the descriptive-analytical method and by collecting research files from library sources.

Findings: Therapeutic methods based on the use of prayer and dhikr have been common in Qajar medicine, and prayers and dhikr have been used to treat, cure and even prevent various infectious and non-communicable diseases. This has not been limited to the common class but has also been used among courtiers and property classes.

Conclusion: This study shows that during the Qajar period, prayer writers were one of the traditional treatment groups. They used various prayer and remembrance methods to treat various mental and physical ailments. And this group was also accepted by the general public. Reasons for their acceptance include poverty, lack of government medical services, the infancy of modern medical practices, lack of trust in Western physicians, worldviews, and people's destiny. Of course, the scope of activities and treatment methods of prayer writers and supplicants are harmed, such as the spread of infectious and dangerous diseases due to gathering in religious and respected places, not paying attention to health orders due to destiny, the prevalence of determinism. They were wasting people's money by deceiving sellers of spells.

* Corresponding Author: Zeinab Karimi

Postal Address: Department of History, Faculty of Literature and Humanities Shiraz University, Shiraz, Iran.

Email: zeinabkarimi3197@gmail.com

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Karimi Z. Rahnema Sh. Investigating the role of prayer and recitation in medicine and medicine of the Qajar period. Medical History Journal 2021; 13(46): e7.